



دنیا عیوضی

گفت‌وگو با **عبدالحسین مختاباد**، می‌تواند پهنانه‌های بسیاری داشته باشد. دوستداران موسیقی بیشتر او را بابت خوانندگی و آهنگسازی‌اش می‌شناسند؛ در حالی که او رییس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و عضو اصلاح‌طلب چهارمین دوره شورای اسلامی شهر تهران هم است. همه اینها می‌تواند سرفصل‌هایی جداگانه برای گفت‌وگو با او باشد. با حضور در دفتر کار مختاباد در دانشکده هنر و معماری، تلاش کردیم تقریباً اغلب سوال‌های ممکن در این چند حوزه را با او در میان بگذاریم.

**✎** فعالیت شما طی این سال‌ها به سه دوره تقسیم می‌شود. دوره خوانندگی، تحصیل و پس از آن فعالیت سیاسی‌تان در شورای شهر. اندکی از سپری‌شدن این مراحل در سال‌هایی که گذشت، بگوئید؟

کار هنری چند مرحله دارد. مرحله اول زمانی است که یک هنرمند می‌خواهد خودش را معرفی کند و در زمینه کمی و کیفی سعی می‌کند تلاش بیشتری از خودش نشان دهد. وقتی هنرمند به درج‌ای از سواد و تحصیلات برسد و مردم صدا، اثر و کارش را بشنوند موقعیتش مناسب‌تر می‌شود، برای همین، هنرمند در مرحله اول تلاش مضاعفی می‌کند که این اتفاق بیفتد. بعد که این اتفاق افتاد بعضی‌ها در همین مرحله می‌ماند اما بعضی‌ها دوست دارند تحقیق و مطالعه کنند. این مقطع، حالت چپینشی– گزینشی دارد، آن فضای جلب توجه، به مرور رخت برمی‌بند و آن حقیقت هنر خودش را نشان می‌دهد. در اینجا جنبه‌های کیفی کار منظر است و اگر کسی علاقه‌مند به تحقیق و پژوهش باشد قطعاً به همین سمت روی می‌آورد. من هم همین پروسه را سپری کردم. وقتی در سال ۱۳۴۳ در رشته جامعه‌شناسی وارد دانشگاه تهران شدم، اصل استراتژی من این بود که در یک پروسه هفت، هشت‌ساله بتوانم موسیقی را خوب یاد بگیرم، برای همین تحت هیچ شرایطی علاقه نداشتم در رادیو یا جایی دیگر بخواهم. از خیلی جنبه‌ها پرهیز کردم. بعد از دهه ۶۰ تا ۷۰ مرحله آموزش موسیقی ردیفی، ایرانی، تئوری موسیقی غربی و نوازندگی را به نقطه‌ای رساندم که احساس کردم قابل تکیه است و شروع به تولید اثر کردم. برای همین، دهه ۷۰، دوره تلید اثر و اجراهای رنده من در ایران و خارج از ایران بود. من اواخر دهه ۷۰ تا اواخر ۸۰ را دهه‌ای می‌دانم که احساس کردم باید بروم و بیشتر یاد بگیرم، دهه‌ای که دوران پژوهش و تحقیق من بود. برای همین درس خواندم و تا اندازه‌ای به گوشه‌های پنهان ذهنم که دنبالش بودم در تحصیل در غرب دست یافتم.

**✎** مرحله‌ای را که الان در آن قرار دارید، چگونه می‌بینید؟

الان در مقطعی هستم که حس می‌کنم باید داشته‌های خودم را آموزش بدهم و همین‌طور اگر اثری را تولید می‌کنم از جهت کم می‌دارای جایگاهی مناسب باشد.

**✎** شما در «کمیت هنر» کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران، دقیقاً به چه کارهایی رسیدگی می‌کنید؟

این کمیته قبلاً وجود نداشت. وقتی به‌عنوان نماینده مردم تهران، وارد شورای شهر شدم پیشنهاد دادم که نام کمیسیون، کمیسیون فرهنگ – هنر شود که رای نیاورد ولی من درون کمیسیون کمیته هنر تشکیل دادم. اصلی‌ترین رویکرد ما در آن کمیته این است که بحث ساخت‌افزارهای هنری را در تهران به نقطه مقبولی برسانیم. ما سالن‌های موسیقی، تئاتر و سینمای مناسب نداریم. شهرداری می‌تواند در این میان وارد عمل شود، حال نه اینکه خودش به‌صورت مستقیم عمل کند، تلاش این است که با امکانات و تشویق‌هایی که به بخش خصوصی می‌دهیم آنها را به ساخت سالن‌های مناسب و خوب برای تهران تشویق کنیم. با ساخت سالن مناسب، اجراهای موسیقی، تئاتر و همین‌طور نمایش فیلم می‌تواند مقبول و مناسب باشد و این کار به اقتصاد هنر کمک موثری می‌کند. مطلب دومی که دنبال آن هستم بحث غنی‌سازی نهادهای مدنی در عرصه هنر است مثل خانه موسیقی، خانه تئاتر، خانه هنرمندان و خانه سینما که باید دارای تشکیلات باشند، طوری نباشند که تنفس آنها وصل به شهرداری باشد، به‌گونه‌ای باشند که بتوانند خودشان را اداره کنند. این امکان برای جامعه هنری به راحتی میسر است و در یک پروسه دو، سه‌ساله باید به نقطه‌ای برسد که بتوان روی آن سرمایه‌گذاری کرد. خیلی از این اتفاقاتی که الان در شهرداری تهران می‌افتد و شهرداری تهران هم از آنجمله‌های آن است، شعر و موسیقی حمایت می‌کند، کاملاً یک‌طرفه است. باید به‌سمتی برویم که این نهادهای خودشان را اداره کنند چون آنها موسسات ملی هستند. خانه موسیقی فقط برای تهران نیست و متعلق به تمام ایران است، خانه شعر متعلق به تمام شعرای ایران است، بنابراین اگر ما بخواهیم آنها را وابسته به شهرداری تهران کنیم کار درستی انجام ندایم. شاید حتی شهروندان تهران راغب نباشند که ما چنین هزینه‌هایی را برای این فعالیت‌ها صرف کنیم. تشکیلاتی مثل خانه‌هنرمندان متعلق به همه هنرمندان ایرانی است. باید به سمتی پیش رویم که امکانات ابتدایی را در اختیارشان قرار دهیم ولی به‌گونه‌ای نباشد که هزینه‌های اصلی و سنگین بر عهده شهرداری تهران باشد. این اقدامات از آن دست رویکردهایی است که تلاش می‌کنیم به لطف خدا با رایزنی‌هایی که با شهرداری و خود جامعه هنری داریم به یک نقطه معقولی برسیم.

**✎** اوایل که وارد شورای شهر شده بودید بسیاری

در جامعه هنری به خصوص اهالی تئاتر از کارهایی که

انجام می‌دادید، رضایت داشتند اما این اواخر این‌طور

به نظر نمی‌رسد و انتقادهایی را می‌شنویم. فکر می‌کنید

دلایلش چیست؟

عبدالحسین مختاباد در گفت‌وگو با «شرق» روایت کرد

# جفا بر موسیقی ایرانی



عکس: محمد موسیقی، شرق

یکی از مشکلات این است که یک عده فکر می‌کنند شهرداری تهران مالک همه تهران است در حالی که این‌طور نیست. وقتی از جهت قانونی می‌خواستیم وارد تئاترشهر شویم اجازه نداشتیم. مالکیت تئاترشهر برای وزارت ارشاد است و متعلق به شهرداری تهران نیست. اگر وزارت ارشاد، تئاترشهر را به شهرداری تهران بدهد ما آن زمان بلدیم چگونه تئاترشهر را بسازیم. ولی ما الان از لحاظ قانونی اجازه نداریم در تئاترشهر هزینه‌ای کنیم. همین اتفاق در مورد برج آزادی هم افتاده است. الان برج آزادی در وضعیتی بسیار اسفابرت از تئاترشهر قرار دارد. مالکیت برج آزادی در اختیار وزارت ارشاد و سازمان میراث فرهنگی است و شهرداری، تنها کاری که می‌تواند انجام دهد این است که محیط پیرامونش را ساماندهی کند.

**✎** با توجه به حوزه اختیارتان که شامل محیط پیرامون «تئاترشهر» می‌شود، باز هم به نظر می‌رسد روند بازسازی تئاتر شهر از سوی جامعه تئاتری با رضایت همراه نبوده و این اواخر گله‌های زیادی درخصوص بازسازی تئاتر شهر بیان می‌شود. برای بازسازی پیرامون تئاتر شهر تاکنون چه حرکت‌هایی انجام شده‌است؟

اگر سری به تئاتر شهر بزید، می‌بینید که ما تلاش جدی‌ای کرده‌ایم و مشکلاتی را که در محیط پیرامون تئاترشهر وجود داشت، حل کرده‌ایم. رستوران و ساندویچ‌فروشی‌هایی که وسط و اطراف تئاترشهر بود و نظم محیط را به‌هم زده بود، از آن محوطه جمع کردیم، فضای سبز آنجا را ترمیم جدی کردیم. بخشی از اطراف تئاترشهر که دست ما نیست، آن بخشی است که مسجد ساخته شده و آن قسمت رطبی به ما ندارد، به همین دلیل نمی‌توانیم واردش شویم. درخصوص بازسازی اگر بخواهیم وارد تئاترشهر شویم قانون این اجازه را به ما نمی‌دهد.

**✎** آیا راه یا تبصره قانونی وجود دارد که شهرداری تهران بتواند در بازسازی تئاتر شهر دخالت کند؟

اگر وزارت ارشاد با شهرداری توافق‌نامه امضا کنند که تئاترشهر را به شهرداری تهران واگذار کنند آن‌وقت شهرداری تهران ساختمان تئاترشهر را بازسازی می‌کند. گله‌هایی که از سوی هنرمندان مطرح می‌شود، بجاست ولی فکر می‌کنم اتفاقی که در تهران در حال رخ‌دادن است، این است که خیلی از ارگان‌ها تنبل شده‌اند و دارند وظیفه‌شان را به گردن شهرداری می‌اندازند و حالت طلبکار که باید برای دولت گیرند. وزارت ارشاد در طول ۳۰ سال نتوانسته یک سالن در تهران بسازد، بنابراین حق ندارد از شهرداری طلبکار باشد. شهرداری برج میلاد، یک سالن در جنوب تهران، ده‌ها و صدها فرهنگسرا و سرای‌محله را ساخته است، ولی آقای وزارت ارشاد در طول این ۳۰ سال سه‌سالن در کل ایران ساخته است؟ خب این درست است که وزارت ارشاد خودش را متولی هنر و فرهنگ می‌داند، اما صحیح هم نیست که در ساخت‌وسازها کنار بایستد و بگوید چرا شهرداری کاری نکرده است؟ ما جلو این به اصطلاح طلبکارها را در شورایی شهر و شهرداری تهران خواهیم گرفت و معتقدیم اگر شهرداری تهران قرار است وارد این فضا شود باید اختیاراتی هم به آن داده شود یعنی اگر شهرداری قرار است وارد کار تئاتر شود، باید اختیار داشته باشد که تئاتر هم تولید کند.

**✎** در نشست خبری‌تان به واگذاری یک سکو یا فضا به تئاتری‌ها برای اجرای نمایش‌های خیابانی اشاره کردید. راجع به این ایده توضیح دهید…

این کمکی است که سعی می‌کنیم آن را م صوب کنیم. این هم موضوع بحث من بوده است که شامل غنی‌سازی و به اصطلاح بارور کردن اقتصاد هنر می‌شود تا بتوانیم فضاهایی در اختیار هنرمندان قرار دهیم که هم از جهت اقتصادی برای هنرمندان خوب باشد و هم بتواند برنامه‌هایی را در اختیار هنرمندان قرار دهد. در حال حاضر معاونت اجتماعی شهرداری تهران و سازمان فرهنگی– هنری شهرداری تهران در طول سال، صدها برنامه در سطح شهر به‌صورت خیابانی اجرا می‌کنند و اینها خودش به‌گونه‌ای

در اقتصاد هنر تاثیر دارد. پولی که از مردم در اختیار شهرداری قرار می‌گیرد متعلق به مردم تهران است. بحث من این است که شهرداری، مسوول فرهنگ و هنر ایران و جهان اسلام نیست. شهرداری تهران مسوول فرهنگ و هنر تهران و شهروند تهرانی است؛ بنابراین کارهای هنری‌ای که ما سعی می‌کنیم مورد حمایت قرار دهیم کارهایی است که موضوعات شهروندی را در نظر داشته باشد و بتواند به روان‌سازی زندگی شهری، روان‌سازی فضاهای شهری و به ایجاد لطافت و شادی در شهر تهران بینجامد. ما از این آثار حمایت می‌کنیم. در زمینه‌های مختلف مانند تئاتر، گرافیک، نقاشی، موسیقی و فیلم سعی می‌کنیم در این پروسه قدم بگذاریم که شهرداری روی این مقولات برنامه‌ریزی کند.

**✎** برای این اقدامات توافق‌های لازم انجام شده‌است؟ باید این کارها را انجام دهند، برای اینکه شورای شهر مصوب کرده است و ما شهرداری را از پرداختن به اموری که در حیطه مسوولیتش نیست به‌شدت باز می‌داریم. برای اینکه مسایلی در شهرداری تهران هست که باید روی آن کار و سرمایه‌گذاری شود که مرجع آن مردم تهران و جغرافیای تهران باشد.

**✎** چقدر طول می‌کشد این فضا را در اختیار تئاتری‌ها قرار دهید؟

فکر می‌کنم ظرف یک پروسه پنج، شش‌ماه این کار انجام شود.

**✎** برسیم به بحث ممنوعیت تدریس موسیقی در فرهنگسراها که این اواخر مطرح شد و بحث‌های پر حاشیه‌ای هم به‌دنبال داشت. چندی پیش شهاب مسرادی، رییس سازمان فرهنگی– هنری شهرداری تهران در گفت‌وگو با «شرق» اشاره کرد که برای بالا بردن سطح کیفی کلاس‌ها و اساتید تصمیم گرفته بود مدتی کلاس‌ها را تعطیل کند تا به آنها رسیدگی کنند.

موضعتان در این زمینه چیست؟

ایشان قبلاً حرف دیگری زده بود که ما می‌خواهیم در فرهنگسراها کلاس‌های تخصصی برگزار کنیم. این حرف ایشان مرجع درستی ندارد، برای اینکه شهرداری دانشگاه نیست، شهرداری محل آموزش‌های تخصصی نیست. شهرداری باید آموزش‌های عمومی را در اختیار مردم بگذارد. ما نمی‌توانیم دانشگاه موسیقی و هنرستان موسیقی بگذاریم. ما باید آموزش‌های عمومی با قیمت‌های مناسب‌تری در اختیار مردم تهران قرار دهیم. حتی ایشان به من گفته بودند که به‌دلیل پایین‌بودن قیمت آموزش‌ها در فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ، خیلی از آموزشکده‌های خصوصی موسیقی به تعطیلی کشیده شده‌اند. این حرف ایشان هم مرجع درستی ندارد. اگر این‌طور باشد آموزش و پرورش هم باید بگوید برای اینکه در مدارس دولتی به چه‌های مردم به‌صورت رایگان درس می‌دهند. مدارس خصوصی تعطیل می‌شوند. شهرداری موظف است با قیمت پایین امکانات لازم را در اختیار شهروندانی که توان پرداخت هزینه‌های آنچنانی ندارند قرار دهد. بحث آموزش در همه زمینه‌ها وجود دارد، مسایل خانه‌داری برای خانم‌ها، کلاس‌های هنری، حتی آموزش‌های شهروندی و آموزش‌های مذهبی. اینها بخشی از وظایف شهرداری تهران است که به‌طور رایگان یا با نصف قیمت و در حدی که توان شهروندان تهران اجازه می‌دهد در اختیارشان می‌گذارد. برای همین من خوشالم که آقای شهاب مرادی در هر صورت به این نتیجه رسیدند که کلاس‌های موسیقی را دوباره دایر کنند. این کلاس‌ها باید دایر و در سطح تهران آموزش داده شود. ما اگر این کار را نکنیم کلاس‌ها به اشکال دیگری برگزار می‌شود منتها در محیط‌هایی که ما هیچ کنترلی روی آن نداریم. از این رو همین بحث که ایشان استادان خوبی را برای فرهنگسراها بیابوند برای ما نوبد خوبی است و من امیدوارم که آموزش موسیقی در این نتیجه‌رسیدند که کلاس‌های فرهنگ بدون هیچ مزاحمتی به مسیر خودش برگردد.

**✎** چرا شما به این اقدام واکنش نشان دادید؟

من به‌عنوان کسی که نماینده مردم هستم اجازه دارم که به‌عنوان نماینده طیفی از هنرمندان و خانواده‌ها که اعتراضاتی به این اقدام داشتند، نسبت به آن واکنش نشان دهم. نه به بلکه خیلی از اعضای محترم شورا انتقاد خود را

## موسیقی

### زخمه

نکاتی درباره آهنگ «اینجا غزه است»

تورا دوست دارم

سمانه تابینی

اندیشمندان و صاحب‌نظران اهل هنر معتقدند یکی از تاثیر گذار ترین عواملی که امان سیاستمداران جنگ‌پرست دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی آمریکا را رسود، حضور بررنگ و تاثیر گذار موسیقی‌های ضدجنگ و همچنین عکس‌های منتشرشده از جنگ ویتنام بوده؛ از یک‌سو عکس‌های تلخ و بی‌رحمی که از کشتار کودکان ویتنام منتشر می‌شد و از سوی دیگر نوازندگان و خوانندگانی که از رستوران‌های شهر تا خوابگاه‌های دانشجویی می‌چرخیدند و از مردم می‌خواستند در برابر کشتار بی‌گناهان و غیرنظامیان سکوت نکنند. کهمه‌سرپازانی که از جنگ بازمی‌گشتند، حقیقت تلخ جنگ را بازگو می‌کردند و شعر و موسیقی جنگ بر سر زبان‌ها بود. این جنبش اجتماعی کار را به جایی رساند که در ایالات متحده آمریکا، ساخت موزیک‌ها و ویدیوهایی با مضمون جنگ ویتنام ممنوع و غیرقانونی اعلام شد.

نسبت به این قضیه اعلام کردند. **✎** خیلی از اهالی موسیقی به دنبال این جریان اعلام کردند روند آموزش موسیقی در سال‌های اخیر رو به عقب بوده است…

شهرداری تهران مسوول آموزش موسیقی کشور نیست، اینکه آموزش رو به جلو بسود یا نبوده و خیلی از آیتمه‌ها ربطی به شهرداری ندارد. شهرداری، وزارت ارشاد نیست که متولی هنر باشد. شهرداری یک نهاد خدمات‌رسانی در هر زمینه‌ای است. حالا این خدمات‌رسانی از دفع زباله گرفته تا آموزش‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی است تا هرچا که بتواند به شهروندان کمکی کند. خیلی از مسایل نیز برعهده شهرداری نیست. شهرداری فقط به‌عنوان بازوی سوم عمل می‌کند. این مسایل بر عهده خیلی از ارگان‌هایی است که در طول سال بودجه‌های کلان می‌گیرند. شما ببینید الان چه تعداد ارگان در این مملکت وجود دارد که متولی فرهنگ هستند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، ارتباطات اسلامی، حوزه علمیه قم، شاخه فرهنگی بسیج، حتی وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش. هر کدام از اینها بودجه‌هایی می‌گیرند که باید پاسخگو باشند.

**✎** در حوزه اختیارات سازمان فرهنگی– هنری شهرداری هست که کلاس‌های هنری فرهنگسراها را تعطیل کند یا نهاد دیگری باید نظارت نهایی را انجام دهد؟

چون بودجه سازمان فرهنگی– هنری شهرداری از سوی شهرداری است، باید به شورای شهر در قبال اجرای برنامه‌هایش پاسخگو باشد.

**✎** چندسال پیش هم یک‌بار در زمان مدیریت آقای خوراکیان گفته شد کلاس‌ها برای اعمال تغییر مدتی تعطیل شوند…

این سخن‌ها مثل این است که آموزش و پرورش بیاید و بگوید ما می‌خواهیم کتاب‌های درسی را تصحیح کنیم. بعد تا یک‌سال مدارس را تعطیل می‌کنیم! این سیاست غلطی است. شما اگر بخواهید سیستمی را تصحیح کنید راه درستش را بروید. باید اجازه دهید آن سیستم به کار خودش برسد و به‌تدریج آن سیستم را به آن تزاری که می‌خواهید برسانید. اینکه تشویش اذهان عمومی کنند و جامعه را دچار نگرانی کنند کار صحیحی نیست. ما اگر سیاستی داریم، می‌توانیم در جهت ارتقای آموزش هنر و فرهنگ در فرهنگسرا به کار بگیریم اما پیش از آن اجازه دهیم سیستم قدیمی کار خود را انجام دهد و به‌تدریج بباییم سیستم جدید را تزریق کنیم و به آن مطلوبی که در نظر داریم برسیم. شهرداری باید بستر را فراهم کند. در نظر بگیرد آموزش و پرورش یا دانشگاه، مسوول ایجاد شغل در کشور است؟ دانشگاه فقط به شما باید درس دهد، اینکه شما پزشکی شوید که کار پیدا نکرده یا پزشکی شوید که ده‌ها عمل جراحی در روز دارد، دیگر به خودتان بر می‌گردد. دانشگاه وظیفه دارد به شما آموزش دهد و محیط را آماده کند، بقیه‌اش دست خود فرد است. حالا شهرداری تهران وظیفه دارد که محیط را آماده کند، باقی موارد دست خود فرد است که راه را پیدا کند.

**✎** شما به درخواست خانه موسیقی و به‌دلیل اینکه از اهالی موسیقی هستید با این اقدام سازمان فرهنگی– هنری شهرداری مخالفت کردید یا عامل دیگری وجود داشت؟

خیر. من از قبل در جریان بودم. این داستان به سه، چهارماه پیش برمی‌گردد. وقتی آقای شهاب مرادی به سازمان فرهنگی– هنری آمد ابتدا من این حرف‌ها را شنیدم و چندبار با آقای مرادی تلفنی هم صحبت کردم، ایشان مباحثی را عنوان کرد و ما تذکر دادیم که این کار را نکنند و متأسفانه دیدیم قضیه خیلی جدی شده که حتی تذکر من و آقای هادی ساعی در صحن علنی شورا اعلام شد.

ما تذکر را به‌عنوان تذکر قانونی به شهردار ارجاع دادیم و بنابراین داستان فراتر از این مطالب بوده است. اصلاً بحث این نبود که من چون موسیقیدان هستم این کار را انجام دادم، هر اتفاق دیگری می‌افتاد مسا این روش را پیگیری می‌کردیم برای اینکه قطعاً شورای شهر باید بر برنامه‌هایی که در ارگان‌های فرهنگی– هنری شهرداری تهران صورت می‌گیرد نظارت جدی داشته باشد.

ادامه در صفحه ۹

### قفسه آهنگ

نگاهی به آلبوم موسیقی «فصل سرد»

آن قفتوس آتش می‌زند خود را

احمد زاهدی‌انگرویی

«فصل سرد» از مجموعه هفت‌قطعه موسیقی اصیل ایرانی؛ یکی بدون آواز و شش قطعه آوازی با صدای حمید خراعی تشکیل شده است. آهنگساز این مجموعه محمدعلی نجف‌پور، متولد بهمن‌ماه ۱۳۶۶ پوشهر است و این نخستین اثر حرفه‌ای وی است که روانه بازار موسیقی ایرانی شده. خواننده آوازهای «فصل سرد» حمید خزایی، متولد مرداد ۱۳۵۷ اراک است و تاکنون کنسرت‌های متعددی با گروه‌های موسیقی سنتی ایران اجرا کرده و پیش‌تر نیز مجموعه «اشک بهار» را منتشر کرده بود. موسیقی «فصل سرد» حرفی درباره گذشته از نسل حاضر برای آیندگان است. چنان‌که به دلیل اشارات فرامتی به رخدادهای فرهنگی و اجتماعی دهه ۸۰، اگر این مجموعه چندسال پیش به‌صورت طبیعی – و نه با این تأخیری که اکنون منتشر شده – به بازار می‌آمد، به دلیل آغاز یک دهه جدید و هنگامه قضاوت گذشته شاید بسیار تاثیر گذارتر می‌بود. گرچه آیندنگری در ساختار و پیشنهادهایی که به فضای موسیقی ایرانی ارایه می‌کند، «فصل سرد» را به اثری برای آینده مبدل کرده که بارهاوبارها می‌توان به آن مراجعه کرد و به‌عنوان یک اثر هنری، سندی از روزگارش را ارایه خواهد داد.

فضای کلی مجموعه «فصل سرد» نیز فضایی تصویری و موسیقی از نوع تجسمی بوده که سعی در ایجاد فضایی بصری با استفاده از اصوات موسیقی برای مخاطب دارد. فضای غالب کار در دستگاه «همایون» شکل گرفته؛ اما آهنگساز کمتر نگاه ردیفی داشته و به دلیل ویژگی‌هایی که



برشمرده شد، بیشتر سعی در فضاسازی و تصویرسازی شده است. در برخی قطعات اشاره جدی به «بیداد» و مختصر اشاراتی نیز به «شور» شنیده می‌شود، با این حال مشخص است که «نجف‌پور» چندان پایبند ردیف و دستگاه‌ها نشده و بیشتر به بیان و ساخت تصاویر موسیقایی متکی بر بداهه‌نوازی پرداخته است. «فصل سرد» هم تم‌هایی از «اراک‌التناترو» عربی این روزها را در خود دارد و هم گوشه چشمی به فضاهای موسیقی کلاسیک غربی داشته که با توجه به اینکه حمید خزایی، خواننده ارکستر آکادمیک تهران که خود از موسسان آن نیز بوده، هست و تجربیاتی در آواز کلاسیک دارد، این بهرهمرداری از شیوه تنظیم کلاسیک سازها و آواز و سکوت و اوج‌فروردی که بی‌شباهت به قطعات اپرایی نیست، بر دل کار نشسته و در موسیقی سنتی ایرانی بدعت‌آفرین است. «حمید خزایی» خواننده جوان و بااستعداد نیز توانسته به‌خوبی از پس اجرای فراز و فرودهای موسیقی بداهه «فصل سرد» شده اوج‌فروردهای زیادی را در صدا می‌طلبد؛ برآید. با این مجموعه «خرایی» نشان می‌دهد که با بسیاری شگردها و مهارت‌های آوازی آشناست و صدایی بسیار پخته و آزموده ساخته که هم دقیق و هم دلنشین است. شروع‌آوازها به‌جز قطعه فصل‌سرد که بی‌کلام است و هم نام مجموعه از آن گرفته شده و هم تم کلی موسیقایی اثر را در خود دارد، از استاد «شفیعی‌کدکنی»، «اسیاه»، «فریدون نمشیری» و «عطار» برگزیده شده است. هفت آهنگ مجموعه «فصل سرد» تداعی‌کننده هفت مرحله «عرفان» و «اشراق» است که به «فنا» ختم می‌شود و اینجاست که ستایشنامه «شفیعی‌کدکنی» برای شاعر شهید «خسرو گل‌سرخ» قرار دارد که حسن‌ختامی هوشمندانه و هدفمند در ترتیب و تنظیم اشعار مجموعه است. موسیقی اصیل ایرانی مجموعه‌ای از الحان و نغمه‌هایی بازمانده از هزاره‌هایی پر حادثه و تاریخی تاریک و تلخ است و پیش‌تر بسیاری از هنرمندان، بازمانده این نغمات را به‌درستی در دستگاه‌های موسیقی ایرانی اجرا کرده‌اند. «فصل سرد» اما در پی بازتولید آن گذشته‌ای که بر شانه‌هایش ایستاده نیست. این مجموعه رویکردی نو و دیدگاهی دیگر در پیش گرفته و چیزی ساخته که برآمده از اندیشه و جان خالقانش است. طراحی جلد CD این مجموعه برای دیده‌شدن و جلب توجه مخاطب انتخاب نشده که از همان نخستین رویارویی مخاطب با اثر نشانگر تفاوت و دیدگاه خالقان آن است. در فضایی سیاه و شیشه‌ای که می‌توانست حایل بین مخاطب و سیاهی‌ها باشد، شکسته و عنوان اثر با خط نستعلیق – گویی شک‌خونی بر این شکست – نشسته، مجموعه «فصل‌سرد» در زمره متفاوت‌ترین و زیباترین مجموعه‌های موسیقی منتشرشده نسل امروز موسیقی کشور است که بدون فریب از رویکردهای «تلفیقی» و غیرعلمی و اغلب تجاری‌شده موسیقی سنتی ایرانی، توانسته حرفی جدید بیابورد. این موضوع توجه بیشتر به آن را می‌طلبد تا گاهی فارغ از جنجال و هیاهوهای تجاری و پوچ، دمی، از موسیقی اصیل و فاخر سرزمینمان نیز بهرمند شویم.

### پاریکه درد

**ابر از همدردی سامان احتشامی**
**و رضا دربندی با مردم «غزه»**
**شرق:** سامان احتشامی، نوازنده پیانو و رضا دربندی، نوازنده دف در کنسرت خود در تالار وحدت، به یاد مردمان غزه به اجرا پرداختند. در این اجرا که ۱۵ مرداد در تالار وحدت با عنوان «کنسرت پیانو، ملودیکا و سازهای کوبه‌ای» برگزار شد، سامان احتشامی و هنرجوان او یلدا صدقی، پیام جوامرمد و سینا سلیم‌زاده در کنار شایان ریاحی، لیلی تن‌ساز، عمران فروزش و رضا دربندی، نوازنده سازهای کوبه‌ای در بخش اول قطعات «پاپیون» از ساخته‌های جری گلداسمیت با تنظیم سینا سلیم‌زاده، «پیش‌درآمد» و «چهارمضرب اصفهان» بر اساس آثار فرامرز پایور، «خدانگه‌دار» با تنظیم یلدا صدقی، «نسیم» و «مهتاب» با تنظیم یلدا صدقی و «رنگ تمنا» از ساخته‌های سامان احتشامی را اجرا کردند. در پایان این بخش سامان احتشامی ادای احترام خود و گروهش را به استاد جواد معروفی با اجرای دو قطعه «خواب‌های طلایی» و «یلا» نشان داد.

در بخش دوم، پنج قطعه «نسیم وصل»، «ساری‌گلین» و «فریدم» و «ترانه‌های قدیمی» اجرا شدند.

بعد از آن سامان احتشامی به‌همراه رضا دربندی، نوازنده دف روی صحنه آمدند. احتشامی قبل از اجرای یکی از قطعات گفت: «متأسفانه چندوقتی است که جنگی ناجولمردانه در غزه رخ داده که باعث کشته‌شدن بسیاری از انسان‌ها و کودکان شده و همه ما را ناراحت کرده که امیدوارم بزودی در همه‌جا صلح و آرامش برقرار شود. بر این اساس من و رضا دربندی دنوازی پیانو و دف خود را به مردمان مظلوم غزه تقدیم‌می‌کنیم».